

The Effect of Environmental Factors in the Calculation and Selection of Skewness

*Ebrahim Abbaspour^{*1}*

Abdolhadi Salehizadeh²

1. PhD in Sociology and Lecturer in Sociology, Farhangian University, Qom

Email: eabbaspoor@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Khuzestan University of Agricultural Sciences and Natural Resources

Email: salehizadeh@asnrukh.ac.ir

Abstract

The selection of human actions is influenced by several factors. Some theorists emphasize individual factors and will, and some emphasize the role of peripheral factors. Man, as an autonomous and selective being, chooses his actions in a process that is influenced by the will and the environment. The calculation and selection of consonantal or deviant actions is influenced by environmental factors [physical, psychological, situational, structural (social, economic, ...)]. According to the theories of rational choice, committing wrongdoing is a selective matter and this choice is influenced by various factors and phenomena. Scholars' analysis of the verses and hadiths of the Ahl al-Bayt (AS) shows the acceptance of the point in the Shiite teachings that human free will under the influence of environmental factors is limited, which of course does not mean deprivation of authority, and this article examines the effects of environmental factors. In general, it explains and analyzes. In the analysis of this category, some limiting and influential factors in human selection from the perspective of Islamic sources have been pointed out and the study of these variables has been followed at the micro, intermediate and macro levels, respectively. The research method is descriptive and qualitative content analysis. The purpose of this research is to analyze the content of the Quran and narrative and interpretive sources. The subject is also: describing the view of the Qur'an and Shiite hadiths about the mapping of environmental factors in the calculation and selection of voluntary actions. The analysis of the axes of verses and narrations indicates the similarity of the contents of these teachings with the axes of modern theories of deviant sociology.

Keywords: Deviation, Calculation, Selection, Peripheral factors, Companionship, Reference group.

*. Date of Reception: 2020/11/03 , Date of Acceptation: 2021/01/24

تأثیر عوامل پیرامونی در محاسبه و گزینش کجروی

ابراهیم عباس پور^{۱*}

عبدالهادی صالحی زاده^۲

۱. دکتری جامعه‌شناسی و مدرس گروه جامعه‌شناسی دانشگاه فرهنگیان، قم

Email: eabbaspoor@yahoo.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

Email: salehizadeh@asnrukh.ac.ir

چکیده

گزینش کنش‌های انسانی متأثر از عوامل متعددی است. برخی از نظریه‌پردازان بر عوامل فردی و اراده و برخی بر نقش عوامل پیرامونی تأکید دارند. انسان به‌عنوان موجودی مختار و انتخاب‌گر، کنش‌های خود را در فرایندی که متأثر از اراده و محیط است، برمی‌گزیند. محاسبه و گزینش کنش‌های هم‌نوا یا کج‌روانه متأثر از عوامل پیرامونی [جسمی، روانی، موقعیتی، ساختاری (اجتماعی، اقتصادی، ...)] است. بر اساس نظریات گزینش عقلانی، ارتکاب اعمال کج‌روانه امری گزینشی بوده و این گزینش، تحت تأثیر عوامل و پدیده‌های گوناگونی است. تحلیل‌های محققان از آیات و روایات اهل‌بیت (علیهم السلام)، بیانگر پذیرش این نکته در آموزه‌های شیعی است که اختیار و اراده انسان تحت تأثیر عوامل پیرامونی، محدودیت‌هایی پیدا می‌کند که البته به معنی سلب شدن اختیار از او نیست و این مقاله، تأثیرات عوامل پیرامونی را به عنوان کلی، تبیین و تحلیل می‌کند. در تحلیل این مقوله، به برخی از عوامل محدودکننده اختیار و تأثیرگذار در گزینش انسان از نگاه منابع اسلامی، اشاره شده و بررسی این متغیرها به ترتیب در سطوح خرد، میان‌برد و کلان پیگیری شده است. روش پژوهش، تحلیل محتوای توصیفی و کیفی است. هدف پژوهش، تحلیل محتوای قرآن و منابع روایی و تفسیری است. موضوع نیز عبارت است از: توصیف نگاه قرآن و احادیث شیعه در مورد نقش‌آفرینی عوامل پیرامونی در محاسبه و گزینش کنش‌های اختیاری. تحلیل محورهای آیات و روایات، حکایت از همسویی فی‌الجمله مضامین این آموزه‌ها با محورهای نظریات مدرن جامعه‌شناسی کجروی دارد.

کلیدواژه‌ها: کجروی، محاسبه، گزینش، عوامل پیرامونی، هم‌نشینی، گروه مرجع.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۵

مقدمه

در تبیین کنش‌های انسان از منظر علوم اجتماعی رویکردهای نظری مختلفی وجود دارند؛ برخی رویکردها عوامل فردی را دارای اهمیت دانسته و در این زمینه نقش اختیار انسان را برجسته کرده‌اند. از سوی دیگر، برخی رویکردها نقش عوامل پیرامونی را بسیار مهم جلوه داده و تقریباً برای اختیار انسان محلی از اعراب قائل نشده‌اند. ولی حقیقت این است که انسان موجودی مختار است که با محاسبه تمامی اطراف یک کنش و محاسبه سود و زیان، کنشی را که سود آن بیشتر از زیانش بوده و به عبارت دیگر، برای او نفع داشته باشد، برمی‌گزیند و کنش‌های بدیل را وا می‌نهد. در این میان، محاسبه انسان از عوامل متعددی متأثر است که گزینش او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عوامل پیرامونی تمامی عوامل و زمینه‌هایی هستند که خارج از اختیار انسان بوده، در مسیر انتخاب افراد تأثیرگذارند؛ از عوامل اجتماعی گرفته تا عوامل روانی و زیستی. یعنی انسان کنش‌های کجروانه را در چارچوب این عوامل محاسبه کرده و برمی‌گزیند. این پژوهش پرسش‌های مطرح در نظریات مدرن جامعه‌شناسی را به صورت مقوله‌هایی با روش تحلیل محتوا به آموزه‌های دینی ارائه کرده و پاسخ‌ها را از متون دینی به صورت مقوله‌هایی به دست می‌آورد که عوامل پیرامونی تا چه اندازه در محاسبه و انتخاب آدم‌ها دخالت دارند.

پیشینه پژوهش

در موضوع عوامل محیطی مؤثر در کجروی تحقیقات متعددی انجام شده و هر یک از زوایای مختلف بحث کرده‌اند. مقاله‌ای از محقق مقاله حاضر در مورد نحوه تعریف، تبیین و کنترل کجروی از منظر آیات و روایات به چاپ رسیده که همین رویکرد حاضر را دنبال کرده است. صالحی‌زاده (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود این رویکرد را در مورد بزه‌دیده‌گی دنبال کرده‌اند. هژبری (۱۳۹۰) نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود این رویکرد را در رابطه با محورهای نظریات پدیدارشناسی مطرح کرده است؛ سلیمی و همکاران (۱۳۸۸) در کتابی به نام همنشینی و کجروی به موضوع همنشینی با رویکرد حاضر پرداخته‌اند. تفاسیر مختلف شیعی به موضوع اثرگذاری عوامل پیرامونی پرداخته‌اند، ولی در این موضوع متمرکز نیستند.

این پژوهش، صرفاً بر عوامل محیطی که در گزینش کجروی از طرف افراد جامعه تأثیر می‌گذارند، متمرکز شده و این عوامل را از منظر محورهای نظریات جامعه‌شناسی مدرن و آیات و روایات بررسی می‌کند و در این مسیر به موارد محدود از عوامل مذکور بسنده می‌کند.

تبیین کجروی

می‌توان در یک تقسیم‌بندی ساده، عوامل پیرامونی را به عوامل خرد، میان‌برد و کلان تقسیم کرد و با رویکردی نظری، سراغ آموزه‌های دینی رفت تا نظر آنها را در این مورد جویا شد.

۱. عوامل خرد

از جمله متغیرهای سطح خرد تأثیرگذار در روند گزینش انسان، عوامل زیستی و روانی است. در این بحث به دلیل فرصت محدود، به دیدگاه‌های قابل تحصیل از آموزه‌های اسلامی پیرامون تأثیر دو نمونه از عوامل زیستی اشاره می‌کنیم:

۱-۱. وراثت

از زمان‌های بسیار دور، نقش وراثت در شخصیت و رفتار انسان‌ها مورد توجه بوده است. شباهت‌های ظاهری والدین با کودکان و مقایسه رفتارهای پدر و مادر با فرزند، وراثت را همواره به‌عنوان یک پدیده قابل توجه مطرح کرده است. در شریعت مقدس اسلام، نقش وراثت در اخبار و احادیث مختلف به شکل‌های گوناگون عنوان و از آن با عنوان «عرق» یاد شده است (نوریه‌ها، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳). در ادامه، ابعاد تأثیر وراثت بر گزینش را از منظر روایات اهل بیت (علیهم السلام) بررسی می‌کنیم:

با دقت در روایاتی که گزینش‌های کجروانه افرادی خاص - مانند فرزندان حاصل از روابط غیرمجاز جنسی (مثل زنا و حیض) - را محصول ویژگی‌های زیستی موروثی آنان شمرده، این نتیجه گرفته می‌شود که این خصوصیات زیستی و وراثتی، با جهت دادن به امیال و نگرش‌های انسان، می‌توانند زمینه‌ساز گزینش کجروی در او باشند. به عبارت دیگر، «خصایص ارثی ... به صورت زمینه و استعداد بالقوه موجودند و برحسب شرایطی که تخم و جنین و کودک نوزاد و فرد بالغ برخورد نمایند، این عوامل به فعالیت می‌افتند و یا آنکه خمود و عاطل می‌مانند» (کارل، ۱۳۵۴، ص ۲۸۲). البته ویژگی‌های ارثی تنها زمینه‌ساز کنش هستند و شرایط اجتماعی یا آن را فعال می‌کند یا غیرفعال.

از ظاهر تعدادی از روایات، چنین برمی‌آید که سبب کفر و شقاوت چنین افرادی، تأثیر ویژگی‌های تشکیل‌دهنده وجود فرد بر موجودیت معنوی اوست. از جمله، ویژگی‌های نطفه‌ای که از آن خلق می‌شود، مادری که او را حمل می‌کند، و شیری که از سینه آن مادر می‌خورد. اینها، علاوه بر بعضی ادله‌ای است که نقش مهمی برای تأثیرگذاری مأكولات و مشروبات قائلند که اگر شبهه‌ناک بوده و یا حرام باشند، موجب سوءطینت و سیاهی قلب و عدم قبول هدایت معنوی می‌شوند. برخی از روایات، به این مطلب اشاره می‌کنند که فرزند زنا بودن باعث می‌شود فرد، تمایل به گناه پیدا کرده و بغض با حق و اهل حق در وجود او شعله‌ور شود. به نظر می‌رسد که روایات ذیل گویای این تأثیرپذیری هستند:

نبی مکرم اسلام (ص) در حدیثی خطاب به امام علی (ع) می‌فرماید: «تو را کسی دوست ندارد مگر مؤمن متقی و کسی دشمن تو نیست، مگر کافر بدبخت فرزند زنا یا فرزند حیض ...» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۴۳۳).

در روایت دیگری، امام صادق(ع) در ضمن بیان صفات فرزندان زنا فرموده است: «[فرزند زنا] به گناه، تحقیر دین و سوء‌همنشینی، متمایل است» (فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۱۳).

بر اساس تحلیل فقها و مفسران از این گزاره‌ها، گرایش‌های کجروانه این دسته افراد به جهت خباثت باطنی‌ای است که در اثر رفتار ناروای والدین آنان در ایشان پیدا شده و زمینه‌گزینش هدایت و رستگاری را تضعیف و ظرفیت و استعداد گزینش کجروی را افزایش داده است. بدین‌شکل، به نظر بسیاری از علمای مسلمان، امکان هدایت یافتن این افراد وجود دارد. ولی آنان معمولاً تحت تأثیر آن خصوصیت وراثتی، و در اثر آن خبث و خست باطنی، تمایل به کجروی و گناه داشته و در عمل، با اختیار خود، مسیر کجروانه را انتخاب می‌کنند (بحرانی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۱۲۶-۱۲۳؛ مازندرانی، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص ۳۵۵؛ صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۲۳۷-۲۳۳؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۷۰-۶۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۲۸۸).

لذا به اعتقاد فقها و شارحان حدیث، دلیل پیش‌بینی معاقب بودن چنین افرادی، عمل والدین آنان، قساوت قلب و مانند آن - که اموری غیراختیاری‌اند - نیست، بلکه آنان با اختیار خود چیزی را انجام می‌دهند که موجب کفر و استحقاق عقاب می‌شود. چیزی که مهم است اینکه، زمینه‌های خباثت باطنی وراثتی در فرزند زنا، او را به سوی سلوک کجروانه سوق داده و از مسیر هنجارمند و صالح دور خواهد کرد و تمایل به حرامی پیدا می‌کند که از آن به وجود آمده است. ازاین‌رو، در روز قیامت، به خاطر سوءسلوک مختارانه خود مسئول خواهد بود (بحرانی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۱۲۶-۱۲۳؛ مازندرانی، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص ۳۵۵؛ صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۲۳۷-۲۳۳؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۷۰-۶۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۲۸۸).

توجه به روایت زیر، موجب وضوح بیشتر سخنان بالا و نیز مضمون‌های حدیث دیگری از جمله «السعيد سعيد في بطن امه و الشقى شقى في بطن امه» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۴) خواهد بود. امام صادق(ع)، در توضیح این روایت می‌فرماید: «اگر خداوند کسی را در اصل خلقت، کافر آفرید، نمی‌میرد تا این‌که شر برای او محبوبیت پیدا می‌کند پس به آن نزدیک شده، در نتیجه به کبر و... مبتلا می‌شود» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۳۰). بنابراین، در تحلیل این روایت، شر در نظر انسان بدطینت، «محبوبیت» پیدا می‌کند؛ لذا به سمت آن گرایش پیدا کرده و در نتیجه آن را انتخاب می‌کند.

نکته قابل توجه این‌که از نگاه آموزه‌های اسلامی، وراثت، علت قطعی آثار مذکور نیست و اهمیت آن در جنبه زمینه‌سازی است و چه‌بسا کسانی که ریشه خانوادگی خوبی نداشته و به مقامات بالایی رسیده‌اند. امام باقر(ع) در ضمن حدیثی، قابلیت تغییر بعضی از صفات موروثی را بیان فرموده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۴). به گفته شارحان حدیث، بیان امام(ع) به صراحت دلالت دارد که آثار صفات موروثی، قطعی و حتمی نیست و عواملی از جمله محیط و تربیت می‌تواند آنها را تغییر دهد. چرا که اگر همه وراثت‌ها قطعی و غیرقابل تغییر و سرنوشت فرزندان،

حتمی و غیرقابل تخلف باشد، قیام انبیاء الهی و تعالیم مقدس آسمانی آنان، زائد و بی معنی و کلیه سازمان‌های تربیتی و اصلاحات اخلاقی جوامع بشری فایده و لغو خواهد بود (فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۱۳۸-۱۳۹).

۲-۱. تغذیه

غذا نه تنها آثار خوب و بدی بر جسم دارد، از نظر معنوی و اخلاقی نیز آثار مطلوب یا نامطلوبی در روان بشر به جا می‌گذارد. این امر مورد قبول دانشمندان امروز بوده و در تعالیم اسلامی نیز به آن تصریح شده است. روایات اهل بیت (علیهم السلام) به منافع و مضار جسمی، روانی و معنوی خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها توجه کرده‌اند. چنانکه در بحث از آثار وراثت ذکر شد، مواردی مانند شبهه‌ناک یا حرام بودن مأكولات و مشروبات، بر نگرش‌ها و گزینش‌های افراد و حتی شخصیت آنان، تأثیر گذاشته، زمینه‌ساز سوءطینت و سیاهی قلب انسان می‌شود؛ و زمینه قبول هدایت‌های معنوی را کاهش می‌دهد (صدر، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۲۳۷-۲۳۳).

امام رضا (ع) در روایتی می‌فرماید: «خداوند شراب را حرام کرد؛ زیرا شراب تباهی می‌آورد، عقل نوشندگان را دگرگون می‌سازد و آنان را به انکار خداوند و دروغ و تهمت زدن به او و پیامبرش وا می‌دارد...» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۹۸، ح ۲). در این روایت و روایات مشابه آن، اهل بیت (علیهم السلام)، فساد و از بین رفتن عقل و قوه تعقل را از جمله دلایل تحریم خمر دانسته‌اند. درحالی‌که انسان موجودی است که به دلیل برخورداری از قوه تعقل، توانایی سبک و سنگین کردن اعمال را دارد و با محاسبه منافع و مضرات عملی، دست به گزینش می‌زند. ولی کسی که بر اثر تغذیه از حرام، دچار زوال عقل و تعقل شده باشد، گزینش او تحت تأثیر عقل، و بر اساس سنجش و محاسبه عقلانی نخواهد بود.

۲. عوامل میان‌برد

از مهم‌ترین عوامل پیرامونی در سطح میانی تأثیرگذار در فرایند محاسبه و گزینش کجروی، جامعه‌پذیری افراد است. جامعه‌پذیری می‌تواند در تحلیل انسان از نتیجه و پیامد کنش تأثیرگذار باشد. در فرایند جامعه‌پذیری، افراد جامعه بر اساس الگوهای رفتاری که در جامعه وجود دارد، به سمت کنش‌های معینی تمایل پیدا می‌کنند که در نهایت، راه و روش آن جامعه را برمی‌گزینند. اثرگذاری جامعه‌پذیری از طریق دو مکانیسم یادگیری و درونی‌کردن دیگری است. مکانیسم اول، عبارت است از: اخذ بازتاب‌ها، عادات و طرز رفتار از دیگران که به کمک تکرار، تقلید، تشویق و تنبیه، و آزمایش و خطا در ارگانیسم روانی شخص جای می‌گیرد و رفتار او را راهنمایی می‌کند. مکانیسم دوم، مکمل مکانیسم اول بوده و به معنای یگانگی یافتن شخصیت با عناصر فرهنگ و نظام اجتماعی است؛ به‌گونه‌ای که آن عناصر به اصول اخلاقی، قواعد آگاهی و شعور و همچنین شیوه‌های عمل، تفکر و احساس بهنجار در درون فرد بدل می‌شود. در نهایت، او را به این پندار می‌رساند که سرچشمه همنوایی‌اش با جامعه، انتخاب آگاهانه خود اوست (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵، ص ۱۴۵).

این اثرگذاری جامعه بر انسان، مورد تأیید منابع دینی هم هست. یکی از مواردی که موضوع جامعه‌پذیری را در منابع اسلامی گوشزد می‌کند، بحث مفسران از مفهوم «شاکله» در آیه زیر است. در این تعریف از شاکله، آثار جامعه‌پذیری در افراد مورد توجه قرار گرفته است. در آیه ۸۴ سوره اسراء آمده است: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكَلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا»؛ بگو هر کس بر پایه «شاکله» خود عمل می‌کند، پس پروردگارتان به کسی که راه یافته‌تر است، داناتر است.

می‌توان تأثیر جامعه بر فرد را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز در شخصیت انسان معرفی کرد که این تأثیر و تأثر، در گزینش‌های بعدی انسان خود را نشان خواهد داد. در این خصوص، اکثر مفسران شاکله را چیزی اعم از طبیعت جسمی، روحیات و عادت‌های اکتسابی فرد می‌دانند. آنان علاوه بر نقشی که عوامل فردی (جسمی و روانی) در ایجاد این صورت دارند، یادآور می‌شوند که محیط پیرامون و آداب و رسوم و دستورها و بازداشتن‌های آن، در نهایت، «صورتی جدید و دومین» را در فرد پدید می‌آورند که اعمالش با خواسته‌ها و مقتضیات محیط، انطباق دارد. به اعتقاد آنان، این اثرگذاری، هرچند جزئی و در حد زمینه‌سازی است، اما آثار بسیار ماندگاری در روان انسان دارد (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۱۹۱-۱۸۹؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۴، ص ۲۱۷-۲۱۶؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۲۴۸).

برخی محققان نیز تأکید دارند: «طبق آیه شریفه، خصوصیات درونی و صفات انسان او را مقید می‌سازد و عمل انسان بر اساس صفات و ویژگی‌های روحی او شکل می‌گیرد و اخلاق انسان در کردار او تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارد. همچنین، عوامل بیرونی مثل آداب، سنن، رسوم و عادت‌های تقلیدی، بر اعمال انسان تأثیر داشته و میان ساختارها و سنن اجتماعی با رفتار و کنش فرد ارتباط وجود دارد. در نهایت، انسان تحت تأثیر آن عوامل می‌تواند دارای طبیعت ثانوی گردد، مؤید این ادعا هم می‌تواند فرمایش حضرت علی(ع) باشد که می‌فرماید: «العادة طبع ثان»؛ عادات اکتسابی، طبیعت دومی انسان است» (فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۴۷). بنابراین، پدید آمدن صورت جدید و طبیعت جدید و ثانوی در فرد را می‌توان نتیجه اخذ بازتاب‌های جامعه و تأثیرپذیری از آن دانست که زمینه مساعدی را برای گزینش‌های افراد جامعه فراهم می‌آورند.

نمونه دیگری از این اثرگذاری‌ها در حدیث زیر ترسیم شده است. در روایت زیر از پیامبر اکرم(ص) آمده است: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَ نَصْرَانِيَهُ وَ يَمَجَّسَانِيَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵۸، ص ۱۸۷)؛ هر نوزادی بر فطرت [الهی] متولد می‌شود؛ و این پدر و مادر او هستند که وی را به آیین یهود، مسیح و زرتشت در می‌آورند. در این حدیث، پیامبر اکرم(ص) بیان می‌کند که، فرزند آدمی در بدو تولد بر فطرت الهی متولد می‌شود ولی عقیده و آیینی که به آن می‌گردد، محصول آموزش‌ها و القانات پدر و مادر او است که مهم‌ترین کارگزاران جامعه‌پذیری هستند. پذیرش و گرویدن به یک عقیده و آیین، بیانگر یکی از گزینش‌های تعیین‌کننده فرد در زندگی است. بدین‌شکل، این روایت بیانگر آثار جامعه‌پذیری در گزینش است.

در آیه ۹۳ سوره بقره آمده است: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ... قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ و آنگاه که از شما پیمان اطاعت گرفتیم، و طور را بالای سر شما برداشتیم گفتیم: «آنچه به شما داده ایم محکم بگیرید و بشنوید». گفتند: «شنیدیم و نافرمانی کردیم» و بر اثر کفرشان، [مهر] گوساله در دلشان سرشته شد. بگو: «اگر مؤمنید [بدانید که] ایمانتان شما را به بد چیزی وامی دارد...». در این آیه شریفه، با توجه به معنی و مفهوم «اشراب»^۱، قلوب بنی اسرائیل با محبت گوساله سامری عجین شده و این اعمال، محصول سرزمین قلب آنها است که با آب شرک آبیاری شده است و چنین سرزمینی که با چنان آبی آبیاری شود، محصولی جز این نخواهد داشت. به گفته برخی مفسران: «بنی اسرائیل چون سالیان دراز، محکوم مصریان بودند، مانند هر قوم محکوم و زبون دیگران، خواه ناخواه اوهام و معتقدات مصریان بر آنها چیره شده بود. یکی از مقدسات مصری ها گاو بود... تقدیس گاو و گوساله در نفوس آنان ریشه داشته و محبت آن قلوبشان را فراگرفته بود... بنابراین، اتخاذ گوساله پس از چند روز غیبت موسی از جهت غفلت و پیشامد ناگهانی یا اغفال نبوده» (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۹۲).

بنابراین، در این آیه علت این که بنی اسرائیل به بی راهه رفته و سر از شرک و بت پرستی در آوردند، به نوع جامعه پذیری آنها نسبت داده شده است. به بیان دیگر، اعمال نادرست آنان نتیجه طبیعی همان نگاه و تفکر و آداب و رسوم به شمار آمده است که قلوب آنان با آن شکل و خو گرفته بود. طبیعی است که در چنین شرایطی، هر چیزی خارج از آن نگرش، حتی خداپرستی، غیرطبیعی و نامأنوس به نظر می رسد و این افراد با اختیار خود، و البته تحت تأثیر آداب و رسوم و نگرش های موجود در جامعه، منش و رفتاری کجروانه را انتخاب می کنند.

از جمله آیات مهم دیگری که بیانگر تأثیر آداب و رسوم جامعه در گزینش افراد آن است، آیه ۱۰۴ سوره مائده است که می فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا»؛ هنگامی که به آنها گفته شود به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر (ص) بیایید، آنها از این کار سرباز زده، می گویند همان رسوم و آداب نیاکان ما، ما را بس است؟! بر اساس این آیه شریفه، تعصبات جاهلانه در مورد آداب و رسوم موجب می شود که افراد به دنبال افکار و عقاید پیشینیان خود راه افتاده و بدون توجه به درستی و نادرستی آن افکار و اعمال، هم رنگ آنها شوند. به گفته برخی مفسران: «می گویند «ما را بس» یعنی حرکت خود را در مسیر زندگی می بندند و بی آنکه به آینده نظری افکنند همچنان به گذشته بسنده کرده اند» (جمعی از مترجمان، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۱۰).

در این آیه شریفه خداوند افرادی را معرفی می کند که در پاسخ به دعوت به سوی تعالیم الهی و نبوی می گویند

۱ «أَشْرَبُوا» بهینت ماضی و مجهول و مفاد آن نسبت تحقیق و مصدر آن اشراب و عبارت از احاطه و فرا گرفتن اعمال و درون جسم است مانند تأثیر آب که همه اجزاء و درون انسان را فراگرفته باشد (حسینی همدانی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۵۶).

آداب و رسوم و هنجارهای برجای مانده از پیشینیان ما، برای ما بس است و این آیه با تعبیر «حسبنا» به جمود و تعصب این افراد اشاره می‌کند که تنها چیزی که برای ما نیاز است و ما را مستغنی می‌کند، همان آیین و هنجارهای گذشتگان است و بس. هیچ تغییری در آنها راه نمی‌دهیم و انتخاب ما همین است و بس: «مشرکین و کفار که رشد فکری نداشتند و نظیر گوسفندانی که هرگاه یکی از آنها از جوی می‌پرد، بقیه آنان هم بدون مطالعه از آن پیروی می‌نمایند، در جواب دعوت‌کنندگان خدا می‌گفتند: «حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءُنَا»؛ یعنی همین دینی که ما پدران خود را بر آن یافتیم برای ما کافی است» (نجفی خمینی، ۱۳۹۸ق، ج ۴، ص ۲۷۸).

به بیان دیگر، اطاعت از نیاکان و تعصبات نژادی و قبیله‌ای نشانه‌ای از وجود آداب و رسوم جاهلی است که در افکار چنین انسان‌هایی ریشه دوانده، امکان تخلف و تخطی از آن وجود ندارد و از نگاه قرآن، همین وضعیت به صورتی جدی انتخاب افراد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

این عوامل را در قالب کلی جامعه‌پذیری می‌توان بیان کرد که کارگزاران متعددی می‌تواند داشته باشد و در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود.

۲-۱. گروه‌های مرجع

گروه‌های مرجع، الگوهایی را برای داوری و ارزیابی فرد از خود و محیط پیرامون تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر، گروه‌های مرجع الگوها و چارچوب‌هایی را در جامعه ایجاد می‌کنند که افراد وابسته به گروه در درون آن به کش می‌پردازند و رفتارهای خارج از این چارچوب‌ها را نابهنجار تلقی می‌کنند (کونن، ۱۳۷۲، ص ۱۳۸). به عبارت دیگر، افراد در جامعه با الگوهای رفتاری زیادی روبرو هستند؛ ولی تحت تأثیر گروه‌های مرجع، الگوهایی را برمی‌گزینند که از طرف این گروه‌ها ارائه می‌شود و مورد تأیید آنهاست. در محیط‌های مرجع، افراد به دلیل این‌که رأی و نظر و عملکرد این الگوها را بر رأی و نظر و عملکرد خود ترجیح می‌دهند، با آنها همنوایی می‌کنند. بی‌تردید، انسان‌ها در روابط اجتماعی خود با افراد یا گروه‌هایی که به آنان علاقه دارند یا برایشان ارزش و احترام قائل‌اند، به عنوان الگوهای نقش و گروه‌های مرجع رفتارشان را سرمشق خود قرار داده و در فراگرد یادگیری مؤثر واقع می‌شوند؛ خاستگاه چنین رویکردی در احساس محبت و تعلق افراد به ایشان نهفته است که موجب می‌شود آنان را به عنوان الگوهای مثبت و قابل احترام در کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی پیروی کرده و همواره دید تأییدی نسبت به چنین الگوهایی داشته باشند.

بررسی روایات معصومین (علیهم السلام) در این زمینه بیانگر این است که، معرفی الگو نقش بسزایی در پیشگیری از انحرافات اجتماعی دارد، چراکه فرد با تلاش خود، سعی در نزدیک ساختن روحیات و منش خود با الگوی معرفی شده دارد. مؤید این یافته‌ها، نظریه گروه مرجع است که بر اساس آن، همه انسان‌ها در زندگی، تفکر، احساس، و اعمال‌شان را از طریق ارجاع به گروه‌های خاصی، ارزیابی کرده و تصمیم می‌گیرند. افراد چه عضو این

گروه‌ها باشند و چه نباشند، درباره آنها دارای نگرشی مثبت و یا منفی‌اند. بر اساس این نظریه، افراد دقیقاً همان‌گونه رفتار نمی‌کنند که گروه مرجع‌شان می‌پسندد، بلکه افراد برای تعیین نحوه احساسات، تفکر و اعمال‌شان نیز به گروه مرجع‌شان مراجعه می‌کنند و در گیرودار زندگی روزمره خود از آن گروه‌های مرجع، تأثیر قابل توجهی را در تفکر و عمل خود می‌پذیرند، حتی اگر از این تأثیرپذیری آگاهی کاملی نداشته باشند. به همین دلیل، جهت کنترل بر رفتارها و جلوگیری از انجام رفتارهای نابهنجار، افراد می‌بایست در معاشرت و مؤانست با گروه‌های مرجعی که رویکردهای رفتاری‌شان انحراف از هنجارهای اجتماعی دارد، مواظبت و مراقبت ورزید و فرایند اجتماعی شدن افراد را مدیریت نمود (کرون، ۱۳۹۰، ص ۴۵-۴۶).

در قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام)، این تأثیرپذیری و تأثیرگذاری و نقش آنها در گزینش اعمال، مورد تأکید قرار گرفته است. توجه به این تأثیرگذاری را می‌توان در آیات زیر دید: «وَكَذَلِكَ زَيْنٌ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَائُهُمْ لِيُزْوَوَهُمْ وَلِيَؤْسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ» (انعام: ۱۳۷)؛ و این‌گونه برای بسیاری از مشرکان، شریکان آنها، کشتن فرزندان‌شان را جلوه دادند، تا آنها را به هلاکت رسانند و آیین‌شان را بر آنها مشتبه سازند. بر اساس این آیه، «شُرکا» - که مفسران، مراد از آنها را خدمه و متولیان بت‌خانه‌ها یا شیاطین می‌دانند (جمعی از مترجمان، ۱۳۷۷ الف، ج ۲، ص ۲۶۱) - قتل اولاد را که نمونه‌ای آشکار از اعمال کجروانه است، در نظر بت‌پرستان زینت می‌داده‌اند؛ و این تزیین دو نتیجه داشته است: نخست اینکه، باعث هلاکت و گمراهی آنها می‌شد. دوم اینکه، دین و آیین آنها را بر ایشان مشتبه می‌ساخت. به عبارت دیگر، تزیین این گروه‌های مرجع، توان تشخیص را از این افراد می‌گرفت و سبب می‌شد که آنها با میل و اراده خود، عمل کجروانه قتل فرزندان را بر گزینند.

در آیه ۶۷ سوره احزاب آمده است: «وَ قَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكِبَرَاءَنَا فَأَصَلَّوْنَا لِلسَّيْلِ»؛ و می‌گویند: پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و آنان ما را گمراه ساختند! بر اساس این آیه در روز قیامت، برخی کافران مدعی می‌شوند که پیروی از بزرگان قوم، موجب شده تا چنین مسیری را انتخاب کنند. به عبارت دیگر، این افراد علت گمراهی خود را این می‌دانند که از بزرگان قوم خود پیروی کرده‌اند و کفر و شرک را به عنوان الگوهایی که آن بزرگان برای قوم خود، ارائه می‌کردند، برگزینند. پس، به سبب پیروی کورکورانه از آن الگوها، راه ضلالت و کجروی را انتخاب کرده بودند: «و اتباع و ارذال قوم کفار گویند که ای پروردگار ما، به درستی که ما فرمان بردیم مهتران قبایل خود را و بزرگان و پیشوایان خود را، پس گمراه کردند ما را یعنی به افسون و افسانه ما را فریب دادند و در نظر ما تزیین باطل نمودند و از راه حق و طریق رشاد بیرون بردند (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۷، ص ۳۳۶).

بدین شکل، با توجه به این آیه شریفه، علت گمراهی و کجروی این افراد پیروی بی‌چون و چرا از بزرگان قوم و گروه‌های مرجع آن است. چراکه آنها را دارای احاطه مادی و معنوی بر خود می‌دانستند و مقبولیت اعمال خود نزد آنها را مهم می‌دیدند. پس، روشن است که آنها با اختیار خود تابع آن گروه شدند و مسلوب‌الاختیار نبودند.

۲-۲. همنشینی

از جمله عواملی که در گزینش‌های افراد تأثیرگذار است، روابط مستمر آنها با افراد دیگر در جامعه است. به عبارت دیگر، همنشینان تأثیر قابل توجهی بر فرد دارند و اثرگذاری آنها معمولاً به شیوه‌های مختلفی انجام می‌شود. بر اساس یافته‌های جامعه‌شناختی، فرد بسته به میزان، شدت و اولویت همنشینی‌هایی که دارد از همنشینان تأثیر می‌پذیرد که در نهایت در تفکر و گزینش فرد جلوه می‌کند. ادوین ساترلند در نظریه پیوند افتراقی خود، در تحلیل مسائل اجتماعی و تلاش برای کنترل و مهار رفتارهای نابهنجار، معتقد است: عمل مجرمانه در ارتباط مستقیم و یا غیرمستقیم با افرادی که رفتارهای مجرمانه و ناقض هنجارهای اجتماعی دارند، فرا گرفته می‌شود و فردی که این رفتار نابهنجار را می‌آموزد، از انجام رفتارهای بهنجار و مطابق قواعد عمومی جامعه گریزان می‌شود. به همین دلیل، در صورتی که بتوان در ارتباطات و پیوندهای افراد در معرض تعامل با هنجارشکنان، تغییراتی ایجاد کرد، می‌توان به حل مسائل اجتماعی امیدوار و بر مهار این قبیل انحرافات فائق آمد (کرون، ۱۳۹۰، ص ۴۵).

در تئوری ساترلند و کرسی با دو نکته تأمل برانگیز مواجه می‌شویم که تأثیر و فرایند شکل‌گیری رفتارهای کجروانه را بر مبنای پیوند با افراد کجرو به خوبی روشن می‌سازد. آنها معتقدند: افراد در اوضاع و احوال و در ساختارهای خاص اجتماعی، به هم پیوند می‌خورند؛ و در این پیوند، رفتارهای کجروانه را از یکدیگر می‌آموزند. نکته دوم، آن است که عوامل متعددی بر میزان و کیفیت یادگیری افراد از همنشینان اثر می‌گذارند. این عوامل عبارتند از: دوام همنشینی، شدت، طول و دفعات ارتباط فرد با همنشینان، اولیوی که یک همنشین یا همنشینان برای فرد دارند، میزان و چگونگی نزدیکی همنشینان به یکدیگر و سرانجام، سن آنها (ر.ک: سلیمی و داوری، ۱۳۸۵، ص ۷۳). ساترلند قبل از هر چیز به شرایط اجتماعی انحراف توجه دارد. از نظر او رفتار انحرافی، روان‌شناختی یا ارثی نیست و عوامل اجتماعی و فرهنگی در تبیین آن نقش دارند و در بررسی پدیده انحراف به فضای فرهنگی و خرده‌فرهنگی که افراد در آن قرار دارند، توجه می‌کند. ساترلند معتقد است: افرادی که مرتکب قانون‌شکنی می‌شوند، ارتباط بیشتری با قانون‌شکنان دارند. بر اساس این نظریه فرایندی که به بزهکاری می‌انجامد به قرار زیر است:

الف) عمل مجرمانه آموختنی است نه موروثی؛

ب) آموزش از طریق ارتباط فرد با سایر افراد و عموماً به صورت شفاهی و به کمک کلمات است تا حرکات چهره و قیافه؛

ج) بخش اعظم آموزش رفتار بزهکارانه در گروه‌های نزدیک که با فرد روابط صمیمانه دارند انجام می‌گیرد؛

د) تأثیر ارتباطات گوناگون از لحاظ فراوانی، سن و شدت یکسان نیستند؛

ه) یادگیری رفتار منحرفانه فقط محدود به تقلید نیست (سخاوت، ۱۳۷۴، ص ۵۵-۵۶).

آیات و روایات اسلامی، تأثیرپذیری فرد از همشینیان را مورد تأیید قرار داده و تأکید دارند که همشینیان با ترین نگرش‌ها و اعمال خود در افراد تأثیر گذاشته و موجب تغییر نگرش‌های آنها نسبت به بدی و خوبی و در نتیجه، تغییر اعمال و گزینش‌های آنها می‌شوند. از جمله این آیات و روایات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: «وَقَيِّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ...» (فصلت: ۲۵)؛ و برای آنان همشینیانی گماشتیم، پس آنچه را در پیش رو و آنچه را در پی آنان بود، در نظرشان آراستند... چنان‌که می‌بینیم این آیه شریفه، مفهوم «ترین» را از جمله ترفندهای همشینیان «بدی» می‌داند که به‌عنوان مجازات کافران و تبهکاران، در این دنیا بر آنها گماشته می‌شوند. به گفته پاره‌ای از مفسران: «آن شیطان‌ها برای آنها کارهایی را که از پیش برای خود فرستاده‌اند و کارهایی که اکنون انجام می‌دهند، زینت دادند؛ یا منظور این است که شیاطین آنچه را پیش روی آنهاست از لذت‌های دنیوی و پیروی از شهوت‌های نفسانی و آنچه را که پشت سر ایشان است از کارهای آخرت - که می‌گفتند نه بعضی است و نه حساب و کتابی - برای آنها زینت دادند (جمعی از مترجمان، ۱۳۷۷ الف، ج ۵، ص ۴۶۰).

با توجه به مضمون این آیه و تفسیر ذکر شده، می‌توان گفت از نگاه قرآن کریم، همشینیان، اعمال کجروانه و عدم اعتقاد به آخرت را در نگاه این افراد، جلوه داده و سبب می‌شوند که آنها با میل خود این اعمال را انتخاب می‌کنند. در واقع، همشینیان بدی که بر این افراد گمارده می‌شوند، در مرحله اول، بر نگرش‌های آنان تأثیر گذاشته و نوع نگاه آنها را به «بدی» و «خوبی» تغییر می‌دهند. در مرحله بعد، فرد با اختیار و اراده خود دست به انتخاب اعمال کجروانه می‌زند. به عبارت دیگر، از نگاه قرآن، همشینیان، گزینش افراد را جهت می‌دهند.

این مضمون را می‌توان در ذیل این روایت مشاهده کرد: «برای مسلمان سزاوار نیست که با زشتکار دوستی کند؛ زیرا واقعیت آن است که او عمل خود را برایش زینت می‌دهد...» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۴۰، ح ۲). در این روایت که از امام علی(ع) روایت شده و همچنین در روایت‌های مشابه آن، که بیانی شبیه به آیه ۲۵ سورة فصلت دارند، به این نکته توجه داده می‌شود که همشینیان بد، اعمال بد و کجروانه را در نظر همشین خود ترین می‌کنند و بدین‌شکل، گزینش‌های آنان را جهت می‌دهند.^۱

۲-۳. تأثیر شیطان در قالب همشین

در رویکرد تفهیمی و جامعه‌شناسی پدیدارشناختی و از نگاه محققانی مانند وبر و شوتس می‌توان برقراری ارتباط ذهنی با موجودات ماورایی را به‌عنوان نوعی کنش متقابل اجتماعی پذیرفت (ترنر، ۱۳۸۰، ص ۹۵-۱۱۰). از نگاه

۱ درآیه «أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا» (فاطر: ۸۰) به این مضمون به خوبی اشاره شده است.

آموزه‌های اسلامی، ارتباط انسان با شیطان، مضمونی از این سنخ است. قرآن کریم، نقش شیطان را به‌عنوان نوعی هم‌نشین حامل هنجارهای کجروانه و در قالب همان «تزیین» کجروی ترسیم کرده است. نقش شیطان در گزینش کجروی را می‌توان از آیاتی که «تزیین» کجروی را به او نسبت می‌دهند، به دست آورد. انتساب تزیین به شیطان و تأثیر آن در گزینش کجروی و کجروی افراد در منابع اسلامی با استفاده از آیه شریفه زیر به دست می‌آید: «وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام: ۴۳)؛ و شیطان آنچه را انجام می‌دادند، در نظرشان زینت داد. بر اساس این آیه علت عدم تصریح برخی افراد به درگاه خداوند و گردن‌کشی در مقابل او، این است که شیطان با استفاده از ظرفیت‌هایی که آنها دارند، اعمال بدشان را زینت داده بود و ... به گفته برخی مفسران: «تزیین و آرایش شیطان این چنین است که از طریق تحریک شهوات و هوس‌ها و صفات زشت و ناپسند انسان، چهره عملش را در نظرش آن چنان جلوه می‌دهد که سخت مجذوب آن می‌شود» (بابایی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۵۹). آنان همچنین در تحلیل چگونگی تأثیر شیطان بر نگرش، گزینش و رفتار افراد مورد نظر در این آیه، یادآور می‌شوند که: «شیطان (با استفاده از روح هوی‌پرستی آنها) اعمالشان را در نظرشان زینت داده بود، و هر عمل زشتی را انجام می‌دادند زیبا و هر کار خلافی را صواب می‌پنداشتند» (بابایی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۹۵).

۳. عوامل کلان

سومین سطح از متغیرهای تأثیرگذار بر گزینش‌های افراد در جامعه، عوامل ساختاری است. در ادامه این بحث به چند نمونه از تأثیر این عوامل اشاره می‌کنیم.

۳-۱. فعالیت‌های روزمره

مارکوس فلسون^۱ و لاری کوهن نظریه فعالیت‌های روزمره خود را در سال ۱۹۷۹ ارائه کردند که تا یک دهه بعد شهرت داشت. آنان مدعی‌اند که رویکردشان، افزایش جرم را در فاصله بین دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ تبیین می‌کند. از این منظر، تخلف‌های مجرمانه با طبیعت الگوهای روزانه کنش متقابل اجتماعی مرتبط هستند. فعالیت روزمره ترک منزل بدون مراقب - یعنی نبود نگهبان - در طول ساعات کار، یکی از سه عاملی است که منجر به افزایش احتمال فعالیت مجرمانه می‌شود. دو عامل دیگر عبارتند از: وجود متخلف دارای انگیزه و آماج مناسب که اصولاً چیزی است که ارزش سرقت دارد. تنها موقعی که همه سه عامل باشند، احتمال وقوع فعالیت مجرمانه، عملاً افزایش می‌یابد. سرانجام، نظریه فعالیت‌های روزمره می‌گوید که نرخ افزایش جرم با تعداد آماج‌های مناسب و فقدان افرادی برای محافظت از آنها، برابر است (به نقل از: کوهن و فلسون، ۱۹۷۹، ص ۶۶-۷۴).

۱ نظریه اصلی فعالیت‌های روزمره مربوط به فلسون است و کوهن در روایت بزه‌دیده‌شناسی‌اش با او شریک است.

کانون توجه دیگر در نظریه فعالیت‌های روزمره نظام‌های کنترل اجتماعی غیررسمی‌ای است که در بستر مناسبات روزمره ما با افراد دیگر، شکل می‌گیرند. به این معنا که این الگو مدعی است در صورت کمبود یا نبود کانون‌های کنترل اجتماعی، مسیر رسیدن به منافع از طریق جرم و انحراف مسیر آسانی است. در این الگو، منافع جرم، بدیهی تلقی می‌شوند، یعنی تا زمانی که گرفتار نشده‌اید، جرم، مسیر راحت‌تری برای رسیدن به مجموعه گسترده‌ای از لذت‌هاست. اما آنچه تفاوت‌های بلندمدت در نرخ‌های جرم را تبیین می‌کند، تفاوت در انگیزه‌های مجرمانه نیست، بلکه نوعی تفاوت در ساختارهای اجتماعی است که یا دامنه آماج‌های مناسب برای جرم را می‌افزایند و یا احتمال حضور محافظان مناسب را کاهش می‌دهند (یعنی، نه تنها پلیس، بلکه هر کسی که ممکن است در موقعیتی باشد که مانع خطای شما شود یا آن را گزارش دهد) (بروس، ۲۰۰۶). این الگو در تحلیل کلان خود با مقایسه محیط روستا، شهر، شهرک‌های اقماری و کلان‌شهرها به نقش متغیرهایی مانند شرایط و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی در شکل‌گیری کجروی می‌پردازد. طبق این نظریه، تخلف‌های مجرمانه با طبیعت الگوهای روزانه کنش متقابل اجتماعی مرتبطند. الگوهایی که در زندگی اجتماعی در جهت امور معمولی و روزمره مانند کسب معاش و گذران زندگی عادی صورت می‌گیرد.

آموزه‌های اسلامی، تأثیر فعالیت‌های روزمره بر گزینش‌ها و اعمال آتی افراد را با توجه به آثار شیوه‌های کسب روزی و امرار معاش و در قالب مضمون‌هایی مانند «تأثیر وضعی» نوع غذا (حلال - حرام) در شخصیت انسان و گزینش مسیر زندگی مورد توجه قرار داده‌اند. این مضمون را در فرمایشی از امام حسین (ع) در روز عاشورا می‌توان دید که نشان‌دهنده تأثیر این عامل در انتخاب مسیر زندگی است: «... و همه شما فرمان مرا سرپیچی کرده و سخنان مرا گوش نمی‌دهید، قطعاً شکم‌های شما از حرام پر شده و بر قلبهایتان مهر زده شده است» (بابایی، ۱۳۸۲، ج ۴۵، ص ۸). اندیشمندان مسلمان در توضیح این سخن تأکید می‌کنند که حرام ممکن نیست با حلال هماهنگ شود؛ غذای حرام ممکن نیست با اندیشه صحیح جمع شود؛ زیرا غذایی که انسان می‌خورد، به تدریج به صورت فکر در می‌آید؛ همان‌طور که روح در ابتدای پیدایش خود، جسمانی است و سپس روحانی می‌شود، اندیشه‌ها، اخلاق و اوصاف نفسانی نیز این‌گونه‌اند، یعنی همان‌گونه که ماده‌ای طبق حرکت جوهری روح مجرد می‌شود، یک غذا نیز با سیر جوهری، اندیشه یا خلق و صفت می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۷۳-۷۱).

این‌که انسان حرام‌خور بخواد درست بیندیشد، بسیار سخت است؛ زیرا استعداد تام و نصاب قبول برای فیض‌یابی از شرایط اصلی است. تغذیه حرام، تنمیه ناصواب را به همراه داشته و افکار و اوصاف پلید آن را تعقیب می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۷۲). بنابراین، نکات فوق نشان می‌دهند که از نظر آموزه‌های اسلامی، تغذیه حرام که محصول کسب و درآمد حرام است، زمینه فهم حقایق را از بین می‌برد. لذا گزینش انسان و تصمیم‌نهایی او را که بر اساس فهم اوست، تحت تأثیر قرار خواهد داد.

۲-۳. نقش صاحبان قدرت و ثروت

این عامل در واقع مضمون اصلی نظریه‌های مارکسیستی است که جوامع از گروه‌های متعدد و متفاوت با خواسته‌ها و منافع متضاد تشکیل شده‌اند و هر گروه اهداف و برنامه‌های خود را دارند (عضودانلو، ۱۳۸۶، ص ۳۱۲). صاحبان قدرت و ثروت می‌توانند به‌عنوان گروه مرجع نیز باشند، ولی در اینجا از این جهت که با ترفندهای مختلف درصدد تحمیل ارزش‌های خود به جامعه هستند و در گزینش افراد تأثیرگذارند، مورد بحث است که نمایان‌گر مضمون نظریات مارکسیستی است. این افراد از راه‌های مختلفی در کجروی و گزینش آن نقش ایفا می‌کنند:

۳-۲-۱. ترفندهای سیاسی و اقتصادی

بر اساس دیدگاه تضاد، تفسیر درستی یا نادرستی از یک رفتار فرایندی است که تحت سیطره صاحبان قدرت و ثروت انجام پذیرفته، و سلطه قدرت و ثروت است که معنای رفتارها را سمت و سود داده و با کمک ابزارهای قدرت و ثروت و با بهره‌گیری از عناصر اجبار، تطمیع، تهدید، تزئین و فریب و حيله، افراد جامعه را به تبعیت از صاحبان این منابع و در نهایت، گزینش راه و روش آنها سوق می‌دهند. مراجعه به منابع دینی در اسلام، ما را به مضمون تأثیرپذیری افراد از صاحبان این منابع رهنمون می‌شوند. یکی از مواردی که این تأثیرپذیری را به خوبی نشان می‌دهد، آیه ۸۸ سوره یونس است: «وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوهُ عَنِ سَبِيلِكَ»؛ موسی گفت: پروردگارا تو فرعون و اطرافیانش را در زندگی دنیا، زینت و اموال دادی، پروردگارا، تا بدین وسیله مردم را از تو گمراه کنند ...

با توجه به این آیه شریفه، عامل تسلط فرعون و اطرافیانش بر افراد جامعه و از طرف دیگر، تسلیم و انقیاد افراد جامعه در مقابل آنان، برخورداری فرعونیان از اموال و زینت‌های دنیوی و به قول بعضی، شهرت و هیبت اجتماعی که خود بخشی از سلطه است، می‌باشد؛ زیرا سلطه به یک عامل معنوی متکی است که تسلیم مردم در برابر آن است، و یک عامل مادی که مال است (جمعی از مترجمان، ۱۳۷۷ ب، ج ۴، ص ۳۶). مفسران در تفسیر این آیه، «زینت» را نشانگر امور جذب‌کننده نفوس (عامل معنوی)، و «دارایی» را نماد ابزارهای مادی (عامل مادی) کنترل رفتار دانسته‌اند که زمینه‌ساز گرایش عامه مردم به دنیا و عامل مشروعیت یافتن ارزش‌ها و هنجارهای صاحبان آنها در نگاه ایشان است (سلیمی، ۱۳۸۸، ص ۳۴، به نقل از: قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۱۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۹۶؛ حقی، بی تا، ج ۴، ص ۷۵؛ مراغی، ۱۳۶۶، ج ۱۱، ص ۱۴۸؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۱۵؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۱، ص ۳۵۸؛ سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۸۱۷-۱۸۱۶).

امام علی(ع) در خطبه قاصعه با تعبیرهای زیر، تأثیرگذاری این عامل را تحلیل کرده‌اند. امیرالمؤمنین(ع) در این فراز به‌طور ضمنی پذیرفته که قدرت و ثروت به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر دل‌های مردم نقش

ایفا نموده و برای صاحبان آن فرصتی فراهم می‌آورد که می‌توانند افکار و اندیشه‌های خاص خودشان را بر دیگران تحمیل نمایند؛ به گونه‌ای که آن حضرت یادآور می‌شود که اگر پیامبران الهی نیز از این اهرم استفاده نموده و مردم را با کمک چنین ابزارهایی به سوی خدا دعوت می‌نمودند مردم کمتر گردن‌کشی کرده و پندگیری مردم هم آسان‌تر می‌شد. «اگر پیامبران را نیرویی بود که با آن سیتز نمی‌شد، و عزتی که بر آنان ستم می‌رفت و پادشاهی‌ای که مردان به طرف آن گردن می‌کشیدند و به سوی رخت‌ها بسته می‌شد، هرآینه، چنان وضعیتی، پند گرفتن را بر مردم آسان‌تر و گردن‌کشی را از ایشان، دورتر می‌ساخت. پس، از سر بیمی که بر آنها غالب می‌آمد، یا از روی رغبتی که ایشان را بدانان مایل می‌ساخت، ایمان می‌آوردند» (نهج‌البلاغه، خ ۱۹۲).

بر اساس این روایت، برخورداری از ثروت و قدرت به دو دلیل عمده می‌تواند مردم را به اطاعت و مطاوعه از صاحبان ثروت و قدرت وادار کند: یا مردم از روی ترس به اطاعت و فرمانبری از صاحب قدرت و ثروت روی می‌آورند، یا از سر رغبتی که به آن امکانات دارند. این بیان، نشان‌دهنده تأثیر این عوامل بر گزینش افراد جامعه است. پس، می‌توان گفت: اسلام تأثیرگذاری و نقش قدرت و ثروت بر دل‌ها را نفی ننموده، آن را موجب نفوذ و تأثیرگذاری بر دل‌ها می‌داند؛ این نشان‌دهنده آن است که ثروت و قدرت، اثرگذار بوده و زمینه را برای پذیرش افکار و ارزش‌های صاحبان آن فراهم می‌آورد. صاحبان قدرت و ثروت، برای گسترش نفوذ خود در میان توده مردم و به تبع، القای فرهنگ خود در جامعه از ترفندها و ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند.

۳-۲-۲. ترفندهای فرهنگی

تبلیغات فرهنگی در واقع یکی از مهم‌ترین شگردهای آن چیزی است که امروزه به‌عنوان جنگ نرم شناخته می‌شود. تبلیغات فرهنگی ابزاری است در اختیار صاحبان قدرت و ثروت که از ترفندهای گوناگونی چون رسانه، مطبوعات، داستان‌ها، نمادها و... استفاده می‌کنند. ابزار و ادوات جنگی در این نوع جنگ از سنخ ابزارهای فرهنگی و فکری و اندیشه‌ای و منشی‌اند و نه نظامی. در جنگ نرم به‌دنبال تسخیر باورها و ارزش‌های یک ملت‌اند. جوزف نای، از پژوهشگران مشهور معاصر آمریکا، قدرت نرم را به «توانایی شکل‌دهی ترجیحات دیگران» و «قدرت برای جذب» تعریف کرده است (جوزف نای، ۱۳۸۸، ص ۱۲۸). در جنگ نرم با استفاده از اقدامات روانی، رسانه‌ای، تبلیغاتی، اجتماعی و فرهنگی سعی می‌شود جامعه هدف از بعد اندیشه‌ای و اعتقادی تسلیم مهاجمان شود. تبلیغات فرهنگی بسته به شرایط و امکانات موجود در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، یکی از ابزارهای مهم جامعه‌پذیری است و تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر گزینش‌های افراد دارد. در جهان معاصر، این تبلیغات از طریق رسانه‌های جمعی اعمال می‌شود و نمود بسیاری دارد. در منابع اسلامی هم، این نکته از ابعاد متعددی مورد توجه قرار گرفته است. توجه آموزه‌های اسلامی به این تأثیر را می‌توان از آیه ۶ سورة لقمان استنباط کرد: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْخَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيتَّخِذَهَا هُزُوًا»؛ و برخی از مردم کسانی‌اند که سخن بیهوده می‌خرند تا [مردم را] به بی‌دانشی از راه خدا گمراه کنند و آن را به ریشخند گیرند. بعضی از مفسران شأن نزول این آیه را درباره

نضربین حارث می‌دانند، که او برای تجارت به سرزمین فارس می‌رفت و کتاب‌هایی از اهل فارس می‌خرید و داستان‌هایی از آنها برای قریش حکایت می‌کرد و می‌گفت: اگر محمد برای شما داستان عاد و ثمود را می‌گوید، من داستان رستم و اسفندیار و پادشاهان فارس و داستان‌های کسری و پادشاهان عجم را برای شما می‌گویم، داستان‌های او به مذاق قریش خوشایند و جذاب بود، از این روی استماع قرآن را رها می‌کردند (جمعی از مترجمان، ۱۳۷۷ الف، ج ۵، ص ۵۸؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸ ق، ج ۱۵، ص ۳۸۶؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۱).

در این آیه شریفه، «سخن بیهوده» نماد و الگوی هر سخن یا هر نوع پیام و محصول فرهنگی و هنری و مانند آن است که به جهاتی، جاذبه‌های خاصی برای انسان دارد و به سبب همین ویژگی، او را به خود جذب می‌کند؛ ولی به جهت عدم واقع‌نمایی، در مسیر کمال و سعادت واقعی فردی و اجتماعی انسان نیست. پس، او را به امور بی‌حاصل مشغول می‌سازد (سلیمی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۵۷، به نقل از زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۴۹۰؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۷، ص ۱۹۸). نمونه‌های این سخنان عبارتند از: حکایت‌های خرافاتی، داستان‌ها یا شعرهایی که به ابتذال دعوت می‌کنند و... «خریداری سخن بیهوده» بیانگر هرگونه کوششی است که برای جذب افراد به سوی امور پر جاذبه اما بی‌ثمر، صورت می‌گیرد. هدف آن است که آنها از توجه به مسیر کمال و سعادت خود باز بمانند، فرصت شناختن و پرداختن به چیزهایی که آنان را به این کمال می‌رساند، نیابند یا آنکه آنها را آنچنان که شایسته است، مهم نبینند (سلیمی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۵۷، به نقل از زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۴۹۰؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۷، ص ۱۹۸). «گمراه ساختن از روی بی‌دانشی» نیز از سویی به معنی غیرمستقیم بودن پیام است که اثرگذارترین شیوه تبلیغ پیام است و موجب انتقال مؤثر پیام و متقاعدسازی و تغییر نگرش مخاطبان می‌شود. بدین معنا که افراد هنگام مواجه شدن با این پیام‌ها، در اثر جاذبه‌های فریبنده و غیر واقعی‌شان (نه از سر آگاهی واقع‌بینانه از منافع) و مطلع نبودن از مقصود اصلی پیام، مجذوب آن می‌شوند و دریچه ذهن خود را بدون آگاهی از محتوا و آثار واقعی آن به رویش می‌گشایند. از سوی دیگر، به معنی فرهنگی بودن پیام است که معنای آن، بی‌نیاز بودن آنها از واقع‌نمایی و اتکا بر واقعیت‌ها یا یافته‌ها و مسلمات علمی است (سلیمی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۵۷، به نقل از زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۴۹۰؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۷، ص ۱۹۸).

فراز اول از آیه ۵۴ سوره زخرف نیز با توجه دادن به درون‌مایه شیوه فرعون برای به اطاعت کشاندن قومش می‌تواند بیانگر نمونه دیگری از ترفندهای فرهنگی صاحبان قدرت و ثروت برای تأثیر گذاردن بر گزینش‌ها و رفتارهای افراد تحت سلطه خود باشد: «فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ...»؛ پس او قومش را سبک مغز شمرد [و آنان را با وسوسه و اغواگری فریفت و خوارشان کرد] در نتیجه از او اطاعت کردند... برخی مفسران در توضیح این فراز، آن را تمثیلی از راه و رسم همه حکومت‌های فاسد شمرده و شیوه این حکومت‌ها را در آن می‌دانند که مردم را در سطح پایینی از فکر و اندیشه نگاه دارند، با انواع وسایل آنها را تحمیق کنند، آنها را در یک حال بی‌خبری از واقعیت‌ها فرو برند و ارزش‌های دروغین را جانشین ارزش‌های راستین کنند، و دائماً آنها را نسبت به واقعیت‌ها شست‌وشوی مغزی دهند. با استفاده از وسایل ارتباط جمعی، مطبوعات، فرستنده‌های رادیو تلویزیونی، و انواع فیلم‌ها، و حتی ورزش در

شکل کجروانه، و ابداع انواع مدهای مسخره، به استخفاف عقول ملت‌ها می‌پردازند، تا در پی خبری کامل فرو روند و از آنها اطاعت کنند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۸۸-۸۹).

این مضمون از ترفندهای فرهنگی را می‌توان در لایه‌های فکری مکتب فرانکفورت ملاحظه کرد که همواره از تکنولوژی مدرن و صنعت فرهنگی انتقاد می‌کنند؛ به لحاظ فرهنگی، ظهور تکنولوژی تلویزیون و رادیو در قرن بیستم با ظهور فرضیه جامعه توده‌ای مرتبط بوده است، که معتقد است: توسعه صنعتی و شهرنشینی، توده‌ای از مصرف‌کنندگان و شهروندان کم و بیش بی‌تفاوت به وجود آورده است که تا حدودی احمق هستند، لذات متداول برای آنها جذاب است و تحت حاکمیت ذهنیتی رمووار بوده و نیازمند رهبری هستند. در تقابل با این توده، گروه نخبه‌ای که کوچک، آموزش دیده، باهوش و غالباً عوام فریبند، قرار دارند. نظریه ارتباطاتی ملازم با این دیدگاه، گاهی با عنوان الگوی زیرجلدی شناخته می‌شود؛ نخبگان قادرند معانی‌ای تولید و سپس آن را یکجا به درون توده تزریق کنند.

رویکرد دیگری در این زمینه توسط گیلتن با عنوان وضع برنامه مطرح شد که معتقد است: رسانه‌ها نمی‌توانند به مردم بگویند که چگونه بیندیشند، بلکه می‌توانند بگویند که درباره چه بیاندیشند. او ادعا می‌کند که رسانه قدرتمند است؛ زیرا قادر است موضوعاتی را که به ناحق مدعی اهمیت آنهاست، پیش بکشد و موضوعات دیگری را که مهم‌اند، به حاشیه برانند و یا نادیده بگیرند. این ادراک نزد کسانی از جناح چپ محبوبیت داشت که می‌دیدند پاره‌ای مقولات (تجارت بین‌المللی اسلحه، فقر جهان سوم، رویه‌های غیرقانونی سیا) هرگز به گفتار عمومی وارد نمی‌شوند، آن هم به برکت استیلای سرمایه بر رسانه. رسانه‌ها همچنین می‌توانستند مهم شوند؛ زیرا عقل سلیم، چارچوب‌های نمادین و انواع معرفت‌شناسی‌ها را شکل می‌دادند. برداشت دیگر از مضمون وضع برنامه، نظریه مارپیچ سکوت الیزابت نوئل - نویمان است. ایده این است که مردم از منزوی بودن می‌ترسند. وقتی در رسانه‌ها با موضوعی به شیوه‌ای خاص برخورد شود شهادت زیادی می‌خواهد تا شخص بتواند برخلاف پذیرش جزمی سخن بگوید و خطر انزوای اجتماعی را بخرد. ورود مارپیچ سکوت هنگامی با قدرت ظاهر می‌شود که یک عقیده به‌طور پایان‌ناپذیر تکرار می‌شود و هزینه‌های قابل تصور برای صحبت در مخالفت با آن بالاتر و بالاتر می‌رود (اسمیت، ۱۳۸۳، ص ۲۶۷-۲۷۰).

در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی کشور ایران مشاهده می‌کنیم که با ظهور شبکه‌های گسترده اطلاعاتی و تبلیغاتی مانند شبکه‌های اجتماعی، به دلیل سیطره تبلیغاتی جناح‌های مسلط سیاسی دگرگونی در افکار مردم اتفاق می‌افتد؛ تا جایی که حتی می‌توان گفت: ذائقه سیاسی، فرهنگی (اعم از خوراک، پوشاک، موسیقی، مصرف و...) دچار تحولاتی می‌شوند. برای مثال، اگر دولتی عوض می‌شود، به دلیل این‌که دولت و حزب جدیدی موج‌سواری می‌کند و اکثریت رسانه‌ها و امکانات جامعه را در اختیار می‌گیرد، تا جایی که تخریب دولت قبل پرداخته و افکار مردم را تغییر می‌دهد که همه عملکرد دولت قبلی را زیر سؤال برده و مشاهده می‌شود که فضای فکری عموم جامعه به سمتی می‌رود که مخالفت با آن و حمایت از دولت قبلی نوعی تابو و ارتجاع محسوب شده، جسارت زیادی

می‌طلبد تا برخلاف جریان عمومی و فضای رسانه‌ای حاکم فکر کرد. دیدگاه‌های بسیاری از مردم که در نظریه غالب سهم نباشند، هرگز در فضای رسانه‌ای مطرح نشده، هرکسی خلاف عقیده رسانه‌ها، چیزی بیان کند مورد تهدید قرار می‌گیرد. برای آنان مصلحت در آن است که خاموش باشند.

نتیجه‌گیری

با مقایسه محورهای برخی نظریات انحرافات اجتماعی از منظر جامعه‌شناختی با منابع اسلامی، ملاحظه می‌شود که آموزه‌های دینی، تأثیرگذاری عوامل پیرامونی را که برخی نظریات جامعه‌شناسی مدرن نیز بر آن تأکید دارند، تأیید کرده و در موارد زیادی نظریات تکمیلی ارائه می‌کنند. از منظر محورهای نظریات گزینش عقلانی، محاسبه و گزینش کنش‌های کجروانه متأثر از عوامل پیرامونی بوده و گزینش انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ از منظر آیات و روایات اسلامی-شیعی، عوامل پیرامونی تنها زمینه‌های گزینش‌های کجروانه را فراهم آورده و آن را تسهیل می‌کنند و تعیین کنش در پرتو عوامل پیرامونی از منظر آیات و روایات مردود است؛ وراثت، تغذیه، جامعه‌پذیری، گروه مرجع، همنشینی، فعالیت‌های روزمره و صاحبان قدرت و ثروت از جمله عوامل پیرامونی هستند که در این نوشتار به‌عنوان نمونه به آنها اشاره شد و نقش آنها در محاسبه و گزینش کجروی مورد بررسی قرار گرفت که از منظر آیات و روایات، هیچ کدام از این عوامل نافی قدرت اراده و اختیار انسان نبوده و تنها همبستگی جزئی بین این عوامل و گزینش کجروی وجود دارد.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج‌البلاغه، (۱۹۸۰)، تصحیح صبحی صالح، بیروت: دار الکتب اللبنانی.
- اسمیت، فیلیپ، (۱۳۸۳)، درآمدی بر نظریه فرهنگی، ترجمه حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بابایی، احمدعلی، (۱۳۸۲)، برگزیده تفسیر نمونه، چ سیزدهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- بحرانی، آل‌عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، (۱۴۲۳ق)، النجفیة من الملتقطات الیوسفیة، بیروت: دارالمصطفی للاحیاء التراث.
- ترنر، برایان اس، (۱۳۸۰)، ویر و اسلام (با پانویشت‌های انتقادی و مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ماکس وبر)، ترجمه حسین بستان و همکاران، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جمعی از مترجمان، (۱۳۷۷ الف)، ترجمه جوامع الجامع، چ دوم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- _____، (۱۳۷۷ ب)، تفسیر هدایت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۱)، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، قم: اسراء.

- جوزف نای، (۱۳۸۸)، «قدرت نرم و رهبری»، ترجمه عسگر قهرمان‌پور، عملیات روانی، ش ۲۱، ص ۱۲۸.
- حسینی همدانی، سید محمد حسین، (۱۳۸۰)، *انوار درخشان در تفسیر قرآن*، تهران: چاپ محمدباقر بهبودی.
- دیلمی، حسن، ۱۴۱۲ق، *ارشاد القلوب إلى الصواب*، قم، شریف رضی.
- سخاوت، جعفر، (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی (رشته علوم اجتماعی)*، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- سلیمی، علی و محمد داوری، (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی کجروی*، چ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سلیمی، علی و همکاران، (۱۳۸۸)، *همنشینی و کجروی؛ نگاهی به دیدگاه‌های اسلامی و یافته‌های اجتماعی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سلیمی، علی، (۱۳۸۸)، «رویکرد کارکردی به دین: تأملی در سنجه‌های دینداری از منظر آموزه‌های اسلامی»، اسلام و علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ش ۱، ص ۴۷-۱۱.
- صالحی‌زاده، عبدالهادی، (۱۳۹۰)، *تحلیل محتوای گزاره‌های دینی ناظر به محورهای نظریات کجروی (بزه‌دیدگی)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- صدر، سید محمد، (۱۴۲۰ق)، *ماوراء الفقه*، بیروت: دارالأضواء للطباعة و النشر و التوزیع.
- صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۸)، *عیون الاخبار*، تهران: جهان.
- طالقانی، سید محمود، (۱۳۶۲)، *پرتوی از قرآن*، چ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- عضودانلو، حمید، (۱۳۸۶)، *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، چ دوم، تهران: نشر نی.
- فضل‌الله، سید محمد حسین، (۱۴۱۹ق)، *من وحی القرآن*، بیروت: دارالاملاک للطباعة و النشر.
- فلسفی، محمد تقی، (۱۳۶۸)، *الحديث - روایات تربیتی*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کارل، آلکسی، (۱۳۵۴)، *انسان، موجود ناشناخته*، ترجمه پرویز دبیری، تهران: افست.
- کاشانی، ملافتح‌الله، (۱۳۳۶)، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران: کتابفروشی علمی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵)، *الکافی*، چ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کوئن، بروس، (۱۳۷۲)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، چ هشتم، تهران: سمت.
- کرون، جیمز، (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی (چگونه مسائل اجتماعی را حل کنیم)*، ترجمه مهرداد نوابخش و فاطمه کرمی، تهران: جامعه‌شناسان.
- مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح، (۱۴۲۱ق)، *شرح اصول کافی*، تعلیق: میرزا ابوالحسن شعرانی، ضبط و تصحیح: علی عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نجفی خمینی، محمدجواد، (۱۳۹۸ق)، *تفسیر آسان*، تهران: اسلامیه.
- نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، چ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوریها، رضا، (۱۳۸۶)، *زمینه جرم‌شناسی*، چ سوم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- هژبری، روح‌الله، (۱۳۹۰)، *بررسی دیدگاه پدیدارشناسی کجروی از منظر قرآن و روایات*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه باقرالعلوم(ع).
- Mork. Bruce, 2006, "Rational Choice Theory". [online] available: <http://www.d.umn.edu/~bmork/2306/Theories/BAMratchoice>.
- Sutton, David (n.d.). "Ronald V. Clarke". [online] available: <http://www.criminology.fsu.edu/crimtheory/clarke.htm>.